ایمان مردم ما به خداوند (جل جلاله) و شجاعت بی نظیر این ملت مجاهد برای همیشه سبب شده است تا علی الرغم جفاکاری های حکومات گذشته ، بزرگترین قدرتهای مهاجم را از خاك خویش بیرون را نندو شگفت انگیز است که ملت مومن ما باهمه فقروگرسنگی در راه حفظ فرهنگ اصیل خویش به دفاع پرداخته اند ، سرسختی و مقاومت مردم مسلمان مادر برابر عادات و سنن استعماری بیگانه در هیچ نقطهٔ از جهان مانندی ندارد . روسها نتوانستند باداشتن زمینه استفاده از حکومت داؤد ، ترکی ، ببرك و نجیب و علی الرغم دوستی مخلصانه آنها باروسها فرهنگ اصیل اسلامی مارا تغیر دهند اما اکنون برخلاف تجربه از یأس و ناامیدی روسها ، غرب به فکر آن شده است تا در زیر نقابهای دوستی روحیه ستیزو فطرت دینی مردم ما را بدرجه تمایل خویش عیار سازُند ، مگر مجاهدین ما همانطوریکه سازو برگ ابر قدرت روس را در هم کوبید ، در راه خورد کردن توطئه های استکبار غرب نیز از هیچگونه جهاد تلاش وسیعی دریغ نخواهد کرد . مطالعه آمار سرمایه گذاری های مادی و معنوی زمامداران ایالات

متحده امریکا برای ترویج اهداف فاسد نظام سرمایه داری و فرهنگ منحط غربی نشان میدهد که برخلاف سرمایه گذاری های این کشور در ممالك اروپای شرقی از تلاش شان برای تامین منافع خویش در افغانستان چندان فایده بدست نیاورده است .

شاید کارشناسان امور افغانستان برای اقناع روحی ووجدانی آقای بوش رئیس جمهور امریکا و بخاطر آرامش قلب سران اروپایی حقیقت های مربوط به افغانستان را وارونه جلوه دهند و یقینا برخی از عناصر داخلی بامزاج لیبرالی نیز در جعل واقعیت جامعه مادست درازی دارند مگر از هیچ کس پنهان نمی کنیم که ملت مومن و مجاهد افغانستان ، امریکا را نیز دشمن اسلام و مسلمین میخوانند . دوستی امریکا باملت مسلمان ما دوستی گوسفند باگرگ است . امریکای استعمار گررادرطی یازده سال جهاد مسلحانه خود آزموده ایم ، اعطای کمك های این کشور به برخی از نیرو های جهادی موجب تشتیت و پراگندگی گردید . امروز نیز باتشویق و ترغیب امریکا است که رسانه های گروهی غرب علیه اسلام و جهاد

اسلامی ما تبلیغات ناجایزی را براه انداخته اندواخیرا نیز برنامه کمك مستقیم به قوماندانان را که یکی از خبیث ترین پروگرام های امریکا می باشد سرزبانها آورده است . امریکا باید بداند همانطوریکه علی الرغم حمایت جنایت کارانه از اسرائیل در خاور میانه و به سازش در آوردن سازمان (ساف) نتوانست فریاد ملت مسلمان فلسطین و ارمان توده های مومن لبنانی را نابود کند هرگز نمیتواند آرمان شهیدان عزیز مارا به بازی بگیرد . همین اکنون نیز واشنگتن پست طی یك گزارش اعلام داشته است که اعضای کنگرهٔ امریکا و ادارهٔ مرکزی استخبارات این کشور از نتایج فعالیت شان برای جلوگیری از نفوذ بنیاد گرایی اسلامی در افغانستان شکوه ها دارند .

برادران عزیز ! کشور عزیز ما افغانستان پس از یازده سال جنگ خرابه ای بیش نیست ، بازسازی و اعمار مجدد این سرزمین مظلوم موضوع دیگری است که با استفاده از آن استکبار جهانی دا مهای بزرگی را گسترده است . فعالیتهای لجام گسیخته موسسات خارجی در داخل کشور کانال توطئه گرانه استعمار جهانی است که زیر نام اعمار

مجدد با پول حفر کرده اند . اتکا به امکانات خودی و اعطای کمك های بی آلایشانه کشور های اسلامی و مردم مسلمان دنیا که در مسیر یازده ساله جهادی مارایاری رسانده اندچیزی بوده که انشاءالله میتوان باستفاده از آن دست نامحرمان را از حریم اسلام و افغانستان کوتاه ساخت . مگر اکنون که کشور های اسلامی مخاطب من قرارگرفته اند ، نمیتوانم این حقیقت را پنهان سازم که بخش عظیمی از این کشور ها اسیر ظالمانه ابر قدرت های شرق و غرب شده اند . ملل و دول کشور های اسلامی باید بدانند که یگانه راه نجات از تسلط بیگانگان و بدست آوردن مجدو عظمت تمدن اسلامی در تداوم خط جهاد و پیروزی انقلاب اسلامی نهفته است که ملت های قهرمان افغانستان و ایران مثالهای جاویدانی از آن بشمار میرودوراه تشکیل امت واحده نیز در استفاده از این الگوها قراردارد . مگر لزوماً باید به گرایشات ناسیونالیستی در جهان اسلام و داعیه ای که گویا جهاد ملت مؤمن مانیز باتوجه به بافت خاصی ازمناسبات قبایلی و ساختار زندگی ملیت‌های گوناکون افغانستان

آغازیده شده است ، اشاره نمائیم .

شواهد زیادی وجود دارد که ملت قهرمان مابه هر نوع گرایشات قومی و تبعیضات قبیلوی پشت کرده واینك برای همیشه برجاده ای ازدین مقدس اسلام گام مانده اند . شاید بعضی از (نوجوان فکران) دَر پهلوی اینکه ارادت واخلاص نسبت به اسلام وانقلاب اسلامی مانرا تبارز میدهند در حواشی مباحث خود در مسیر جهادی ملت مؤمن ، تمامی منفذهای از تحرك و زندگی فردی و اجتماعی ملت مؤمن مارا آرمان جاویدان حاکمیت الهی اشغال نموده است و در سکهٔ از ناسیونالیزم چندان بابی ندارد .

تشکیل نیروهای جهادی که در سراسر افغانستان گسترش یافته است و اسلام یگانه هویت آنها محسوب میگردد بر افکار پیروانِ راه ناسیوُنالیزم خط بطلان میکشد . هم اکنون در اکثریتی از ولایات افغانستان میان مجاهدین مربوط بااقوام و ملیت های گوناگون محاکم واحد شرعی و شوراهای رهبری که از عموم نیروهای جهادی ترکیب یافته است وجود دارد . هر قبیله و ملیت

قبل از همه به تصفیه منطقه خود از لوث ملحدین و کمونست ها پرداخته است و بیشترین قسمتی از کمونستها توسط اقارب و اقوام خود آنها به مجازات رسیده اند . واضحاً بمشاهده میرسد که داعیه تمام ملت افغان همانا احیای ارزشهای اسلامی ، تحکیم حاکمیت الهی و طرد نظام ملحد کمونستی میباشد . طبیعی است که این داعیه و چنین آرمان بزرگ را باید بالاتر از خطوط قبیلوی و قومی مورد بحث قرار داد . مردم ما این راه را آگاهانه پذیرفته اندو راه نجات را تنها در مکتب اسلام ، تداوم جهادو حاکمیت واقعی اسلامی می بینندوبس .

در این قسمت از بحث بایداذعان کنیم که ملت مجاهد افغانستان خواهان یك افغانستان اسلامی ، مستقل و غیر متعهد میباشد و نمیشود مافکریك نظام اسلامی رابی آنکه فکر حاکمیت این را کرده باشیم بنمائیم مگر میشود دریك جامعه حکومت اسلامی و اسلام را نظام زندگی محسوب کنند ، اما بزرگترین و ملموسترین و تعین کننده ترین بخشهای نظام زندگی یعنی حکومت و حاکم از اسلام الهام نگرفته باشد ، و نسبت به آن تشکل نگرفته

باشد ، یك نظام را وقتی میتوان حکومت اسلامی خواند که دو رکن مهم در آن وجود داشته باشد :

الف ـ اهداف و ابزارآن صد در صد اسلامی باشد .

ب ـ در مرحله اجراء و پیاده کردن اصول و احکام اسلام ملتزم و پابند قانون خدا (جل جلاله) بوده و تنها به شعار و طرح اکتفا نکندویا اینکه برخی از احکام اسلامی را تعطیل ننمایند بلکه در همه امور راه حل اسلامی را در نظر بگیرد ، زیرا اسلام یك مجموعه منسجم و بهم پیوسته است که اگر بخشی از آن نادیده گرفته شودیا چیز دیگر جایگزین آن گردد ، ثمرات و آثار کلی این مجموعه تضعیف شده و از میان خواهد رفت ، بلکه سبب عذاب برای مسلمین میگردد .

قرآنکریم رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) را مخاطب قرارداده و می فرماید (لولآن تبتناك لقد کدت ترکن إلیهم شیئا قلیلا اذا لاذقناك ضعف الحیاة وضعف الممات) و نیز قرآنکریم بنی اسرائیل را در همین زمینه شدیداً توبیخ میفرماید (افتومنون ببعض الکتب و تکفرون ببعض فما جزأ من یفعل ذلك الاخزی فی الحیواة الدنیا و

یوم القیمه یردون الی اشد العذاب وما الله بغافل عما تعملون) حل حقیقی و قاطع همه مشکلات جامعه ما و پاسخگویی به نیازهای ملی و برپانمودن قسط و عدالت جز اسلام ممکن نیست ، تنها راه این است که یك جامعه که دارای شراط ذیل باشد بعمل آید .

۱ - تمرکز یافتن بین همه قوتهای جهادی اعم از اهل تسنن و تشیع توسط یك حکومت اسلامی .

۲ - مبارزه همه جانبه و سازش ناپذیری باکفر جهانی ، جاهلیت جهانی و امپریالیزم جهانی .

۳ - قطع تمام وابستگی ها به جهان جاهلیت .

۴ - برخورداری از شیوه ها و روش های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وسلم) .

۵ - رهبری علما .

٦ - تائید صحیح بروحدت همه نیروهای جهادی .

۷ - پیروی کامل از تعالیم بشر دوستانه قرآنی که بموجب آن از حق مظلومین حمایت و جانبداری شود و دست ظالمین از مظلومین کوتاه گردد .

۸ - در نظر گرفتن انسانهای مسلمان به صفت مسلمان و

دادن حق عامه اسلامی اخوت، مودت رابطه و احترام قلبی باآنها نه گروههای بخصوص و نظر کردن به آنها ازین دریچه تاریك.

۹ ـ تاکید مخصوص برنقش مسجد در سازماندهی جامعه اسلامی و نهضت اسلامی

۱۰ ـ برقرار نمودن رهبری اول الامر.

۱۱ ـ دادن اهمیت فوق العاده به فرهنگ شهادت و حفظ اصالت راه جهاد فی سبیل الله.

و در استای این اصل معتقد براین هستیم تا با همه کشور های جهان بخصوص کشور های اسلامی و همسایه های مسلمان خود روابط دوستانه وعلایق خوبی داشته باشیم. البته وظیفه خود میدانم تا از کشور های برادر و دوست جمهوری اسلامی ایران و پاکستان که روز های خیلی تلخ و دشوار ملت محروم مارا در راه مبارزه و جهاد دست دادند، در آغوش گرفتند، با استعمار گران تنها نگذاشتند، ابراز تشکرکنم و حمایت قاطع دومملکت برادر جمهوری اسلامی ایران و پاکستان از داعیه ملت مستضعف ما بشمول پذیرفتن بیش از پنج میلیون مهاجرین

و زمینه سازی برای فعالیت آنها در این کشور ها چیزی نیست که ما و نسل آینده ما آنرا فراموش کنیم ، و امید واریم که در جوار خویش یك افغانستان اسلامی ، مستقل و درعین حال در مقابل اهداف شوم اشغالگران شرق و غرب صبور و مقاوم را که محافظ دست آوردهای اسلامی و خون شهدایك و نیم میلیون مومن باشد مشاهده کنند ، ما مسلمانیم و میخواهیم کشور مان براساس قوانین اسلام اداره شود . چیزیکه مهم است این است که هریکی ازما اعتماد به ایمان و حبل الله داشته باشیم ترس و وحشت را بخود راه ندهیم ، اگر انسان اعتماد به نفس مؤمن داشته باشد ، خیلی میتواند کارکند . شخصیت انسان به اعتماد به نفس میباشد ، ماضمنا از وزارت محترم خارجه جمهوری اسلامی ایران و دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی قلبا ستایش بعمل می آوریم که زمینه این را مساعد ساخت تا باردیگر مجاهدین ما فریاد قلب شانرا بلند نماید .

به امید پیروزی اسلام و مجاهدین در افغانستان ، ایران ، کشمیر ، فلسطین ، لبنان ، اریتریا و فلیپن و دیگر

متن کامل سخنان مولوی نصر الله منصور امیر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان در مراسم اولین سیمینار بین المللی افغانستان در تهران تاریخ ۸/۱۰/۱۳۶۷ هـ ش

الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی قائد المجاهدین امام المتقین سیدنا محمد وعلی اله الطیبین الطاهرین واصحابه اجمعین الذین نصروه فی کل وقت وحین ومن اهتدی بهدیه وجاهد فی سبیله وصبر علی شریعته وسنته الی یوم الدین :

اما بعد فاعوذ بالله من الشیطان الرجیم «نرید ان نمن علی الذین استضعفو فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین»

برادران عزیزو خواهران ارجمند !

من حامل پیام مجاهدین هستم که چون کوهی از عظمتها وشجاعتها افتیده اندویازده سال تمام میشود که نه تنها از حریم مقدس اسلام عزیز و کشور محبوب ما

جـهـان اسـلام و بـه امـيـد احـيـای امـت اسـلامـی و دولـت اسلامی در سراسر جهان .

والسلام عليكم و رحمة الله وبركاته وصلى الله على سيدنا محمد و على اله و صحبه وسلم .

متن بیانیه مولوی نصرالله منصور دردومین سیمینار بین المللی افغانستان درتهران تاریخ ۱۰ میزان ۱۳۶۸ هـ . ش

الحمد لله الذی علم بالقلم ، علم الانسان مالم یعلم ، والصلوة والسلام علی البشیر النذیر، والسراج المنیر ، سیدنا محمد الذی محا الله به ظلمات الجهل والکفر وقمع به معالم البدعة والضلال واقلع به معالم الشر والطغیان ، واعلی به منارالتوحید والعلم والایمان واستقام به موازین الشخصیة الانسانیة فی جمیع الابعاد والفرقان ، وعلی آله الطیبین واصحابه اجمعین الذی نصروه فی کل وقت وحین والتابعین لهم باحسان الی یوم الدین وبعد .

جناب آقای رئیس ؛ برادران وخواهران عزیز! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

نخست از همه وظیفه خود میدانم تا به مناسبت برگزاری این سیمینار بزرگ بین المللی افغانستان که توسط اداره محترم مطالعات سیاسی وبین المللی وزارت خارجه جمهوری

اسلامی ایران دایر گردیده است ، از همه اندر کاران این گردهم آئی تاریخی ابراز امتنان نمایم. طوریکه برادران عزیز وعلما ارجمند میدانند مسئله شناخت وبررسی انقلاب اسلامی افغانستان درست مانند تمامی انقلابات بزرگ اجتماعی درتاریخ بشریت به دانش فراوان سیاسی واندیشه های عمیق اجتماعی

نیاز دارد. زیرا اگر از یك سو انقلاب اسلامي ما جزء نا گسستنی قیام های متداوم مسلمین دردنیا وبخشی از حرکت های آزادي بخش محرومین درجهان محسوب میگردد ، از سوی دیگر خصوصیت وویژه گی ذاتی این انقلاب الهی طوریست که نمیتوان بانوشتن چند مقاله و چند جمله ای از آن شناخت کافی دریافت کرد ، لهذا سعی وتلاش من این خواهد بود تا مقصود ومرادم را بصورت مختصر تقدیم بدارم .

حضار محترم ! طوریکه فوقاً نیز اشاره گردید، برخلاف تحلیل ها وتعبیر های عده از تحلیل گران ، جهاد ملت مومن افغانستان جزء لاینفك رستاخیز معاصرمسلمانان دنیا وحرکت رهائی بخش مظلومین جهان اسلام به حساب میآید ، وبدون شك دردنیای پرازستم وظلم ودرزمان ما که استعمار گران از هیچگونه وسیله ای برای غارت وبه یغما بردن سرمایه های مادی ومعنوی بیچارگان ومستضعفین دریغ نمیکنند، ظهور جهاد مقدس ما

وتداوم جنبش اسلامی کشور عزیز ما افغانستان پدیده حتمي پنداشته میشد . البته این پدیده پر برکت که ادامه حرکت انبیاء علیهم الصلوات والتسلیمات است ،زمانی سر کشید که مردم بیچاره ومظلوم ما در زیر سلطه جابرانه نظام های مستبد سلطنتی وطاغوتی حتی مجال نفس کشیدن را نیز نداشتند درچنین مرحله دشوار ملت مومن ما یك فئة از قهرمانان راستین این کشور مجاهد پرور به سر کردگی مجاهد بزرگ علامه محمد اسمعیل المجددی فرزند ارشد قدوة العارفین ضیأ المشایخ محمد ابراهیم المجددی نهضت اسلامی را بنام حزب خدام الفرقان تاسیس نمودند وبراي تحقق آرمانهای اسلامی که به اساس اسلام وپایه هاي عقیده صحیح ، دساتیر صحیح ، اجرأ دساتیرتوسط اشخاص صالح اولین فریاد های شجاعانه جهاد طلب وشهادت انگیز اسلامی را بگوش همه اقشار ملت قهرمان افغانستان رسانیدند واعلان کردند اسلام آنطوری که هست باید گسترش پیدا کند ، اسلام مدعی حاکمیت واداره زندگی است وبه زندگی ملت ما باید حکومت کند وهمه کشورهای اسلامی را بگیرد وبه همه مستضعفین جهان پرتو بیفگند وبه اساس تعمیل دستورات نا جی اسلام جلو غارتگری ها وزور گوئیها گرفته شود وبه ملت حقیقت « اشداء علی الکفار رحماء بینهم » فهمانیده شو د ونیز « لن یجعل الله للکفرین علی المومنین سبیلا» باید تمثیل شود

ودرراه اسلام علاوه از نمازوروزه ،جهاد کردن ، زد وخورد کردن شکست خوردن ، شکست دادن است .خداوند میفرمائید « وکائن من نبی قاتل معه الربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله وما ضعفوا وما استکانو ا والله یحب الصبرین » « إن الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان موصوص » «فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشترون الحیوة الدنیا بالاخرة ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل اویغلب فسوف نوتیه اجرا عظیماً» وبه همین اساس همه انبیا خصوصاً انبیاء اولوا لعزم دربرابر طواغیت وجباران قرار گرفت .منطق انبیاً این است که « اشداء» باید باشد برکفار و بر کسانیکه به ضد حکومت اسلامی وبشریت هستند، بین خودشان هم رحیم باشند وآن شدت هم رحمت است برآنها واصل اعتقاد بخدا جل شانه وپیامبران علیهم الصلوات والتسلیمات به این معنی است که انسانها به راهنمائي پیغمبران شکلی خاصی از زندگی را انتخاب کنند که درجاهای مختلف از قرآنکریم به این معنی اشاره شده است . از جمله آیه شریفه «و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط» یعني ارسال رسل وانزال کتب برای اقامه قسط ویا قیام انسانها به قسط درجوامع بشری است .

خدام الفرقان در پیوند با نهضت های جهانی اسلام ونیز

تنظیمای دیگر در افغانستان بود که علماو روشنفکران طلبه وخادمان دلسوز ومؤمن این ملت بیچاره دست دردست هم داده وارد معرکه عقیدتی گردیدند . بدین جهت مسایل مربوط به افغانستان را نمیتوان بدون درنظر داشت وضع واحوال کلی حرکت های اسلامی چه در افغانستان وچه درعالم اسلام ونیز توجه به انگیزه های اولیه آن مورد مطالعه قرار داد ،حتی بدون مبالغه میتوان گفت که اشغال بي شرمانه افغانستان توسط روسهای جنایتکار با همین مسایل وعوامل ارتباطی داشت که آنها از نیروی عظیم اسلام که یگانه آرزوی نهادهای نهضت اسلامي بود میترسیدند ، بدین معنی که وقتی روسها وحامیان منطقوی آنها دیدند که دیگر نهضت اسلامی افغانستان بر امید واریهای وارمانهای پلید آنها خط بطلان میکشد ونه تنها درافغانستان بلکه درتمامی کشور های منطقه منافع مادی ومعنوی روسها مورد ضربات کوبنده ای قرار خواهند گرفت ،دست به براه انداختن کودتاها واشغال مستقیم افغانستان توسط ارتش سرخ خویش زدند خوشبختانه که ده سال مقاومت ملت مجاهد ما نه تنها برآرزوهای ننگین کمونـــیست ها.

در افغانستان خاك فرو پاشيد ، بلكه اين مقاومت مقدس سبب گرديد ، تا هستهٔ زوال ناپذير تأسيس حكومت اسلامى و تحقق عدل الهى در افغانستان را بنياد گذارند . واقعاً آرمان ديرينهٔ مردم افغانستان و داعيه تاريخى ملت مجاهد در همين امر نهفته است ، و هرآئينه كه نيروى بزرگ ايمان و لبيك شورانگيز مردم مؤمن ما اين آرمان را تقويت مى بخشيد ، مگر چه شده است كه امروز روس هاى جنايتكار پس از جنايات فراوان و خونين برسر عقل آمدند ، و خاك بخون اغشته مارا ترك ميگويند ، ايا راستى هم اقاى گورباچوف برراه و آئين گذشته گان شان خط بطلان كشيد و دنياى مارا باعينك نومى بيند ، شايد اقاى گرباچوف درباره وضع اقتصادى مردم اسير روسيه به چشمان پرمهر ببيند ، اما هنوز هم شواهدى زياد وجود دارد كه زمامداران كرملين تشنه خون ملت ما اند ، آرى اين ايمان ، اخلاص ، همت و عزيمت صادق ، اراده متين ، ارتباط عميق و رابطه قلبى با اسلام ، عشق و علاقه سرشار با جهاد و شهادت ، تشبث كامل به مذهب ، اعتصام بحبل الله و مقاومت بينظير ملت مؤمن و درد ديده ما بود كه روسها اين تشنه گان خون آدم را مجبور به فرار و عقب نشينى كردند . روسها عملا دريافتند كه ديگر نميتوان برسرنيزه نشست بلكه از نوك تيز اين نيزه بايد پائين آمد ، امروز حتى آذربايجان ، ازبكستان ، ارمنستان ، تاجكستان ، قزاقستان و ديگر جمهوريت هاى شوروى را خطرى تهديد ميكند ، كه

اقای گورباچوف انرا «واقعیت های تلخ» میخواند ، هر چند که این خطر بر سر منزل قراردارد ، نباید باخوش باوری و ساده اندیشی پذیرفت که گویا آقای گورباچوف از قساوت و وحشیگری توبه کشید ، زیرا این همان کسی است که نه تنها تا امروز فرزندان معصوم الدم ملت مظلوم و محروم ما را می کشد بلکه فقط یکسال قبل راکت های دور برد روسی به دستور شخصی وی از خاك عراق بسوی تهران شلیك میگردید و حالا نیز انگشت این مرد نقاب پوش برماشهٔ اسلحه است .

حضار گرامی ! توطیه های مزورانه روسها درحالی براه افتیده است که روسها از یك طرف داد از صلح میزنند واز طرف دیگر تاسیسات و نهادهای کمونستی در افغانستان را تقویه میدارند . سفر دو روز قبل شوارد نادزی وزیر خارجه روسیه به کابل برای همین منظور است ، این استکبار جنایتکار جهانی که به انواع نیرنگها و روشهای توطیه آمیز ، کمر به نابودی انقلاب اسلامی افغانستان بسته و دراین راه همه ترفیندهارا براه انداخته ، توظیف نمودن معاون وزارت خارجه شوروی اقای ورنسوف به سمت سفارت در کابل ، ادعاهای مزورانه بازگشت به اسلام از طرف مزدوران کرملین در کابل ، تبارز بنام اسلام از طرف نجیب مزدور ، اعلان اشتی ملی ، بازگشت ظاهر شاه اجیر وغیره تکتیکهای استعماری است و روپوشهای هست که چیزیکه روسها در میدان جنگ بدست نه آوردند

و باختند در میدان سیاست مکر و تزویر بدست آورند ، راستی اگر روسها در مذاکرات خویش با مجاهدین مؤمن ما صادق اند ، چرا از حمایت رژیم مزدور در کابل دست نمیکشند و چرا تاسیسات استراتیژیك شانرا منهدم نمی سازند ؟ علاوه بر این روسها در این او آخر کمکهای اقتصادی لوژستیکی و اسلحوی بیش از پیش به اندازه چشمگیری مضاعف گردانیده و در میادین سیاسی نیز بخاطر تائید و حفظ رژیم مزدور در کابل از هیچ تلاش و جهد دریغ نمیکنند بلکه باغربیها در این باره بامعاوضه و سودا گری در آمده ، روسها باید بدانند ، ایمان و عقیده ما به نصرت و تائید الهی شکست پذیر نیست که تاکودکان در گهواره خوابیده ما زنده اند باروسها خواهیم جنگید . این امر یك واقعیت سیاسی نیست بلکه این داعیه برحق ملت ما محسوب میگردد . ما هرکس و هر نیروی که شوق امتحان تصادم با چنین آرمان ملت مارا داشته باشد میتوانند امتحان نمایند ، هیچ تنظیم و هیچ گروهی نمیتواند فرا تر از این آرمان مقدس ما که همانا خروج بلاقید و شرط نیروهای روسی ، قلع و قمع تاسیسات آنها ، سرنگونی رژیم اجنت شان در کابل و تاسیس حکومت واقعی اسلامی به منهج پیغمبر اسلام صلعم و خلفاء راشدین رضی الله تعالی عنهم اجمعین ، آزادی کامل و حفظ استقلال کشور مسلمان ما میباشد ، حرف بزنند و گفتگو کنند ، شاید کمتر کسانی میدانند که دیگر جهت سیاست های جهاد مارا فرهنگ غنی و مقدس جهادی

ملت ما تشکیل میدهد و نه باید با این فرهنگ نیرومند وقوی زور ازمائی کرد .

دوستان و عزیزان ! ای کاش میتوانستیم که درد جانکاه مداخلات و دست درازیهای مزورانهٔ ایالات متحده امریکا بسوی انقلاب اسلامی مارا فراموش کنیم . غرب و ایالات متحده امریکا از نخستین روز های آغاز جهاد ما به فکر انحراف انقلاب اسلامی ما وگره زدن آن باسلطه استعماری خویش افتیده و برنامه ریزی کرده ، و امروز نیز همان دست کثیف دامن پاك و پرعفت انقلاب مارا گرفته است تا از این دامن خونین جهاد گل های از پیروزی را برزمین بپاشند . به نظر من برای کارشناسان امریکائی تجربه بزرگتر از افغانستان وجود ندارد ، چه شده است که امریکائیها برای انحراف خط اصیل انقلاب اسلامی ما توطیه بر توطیه می ریزند . امروز شرق و غرب آواز بازگشت آقای ظاهر شاه را بلند ساخته اند مگر عجیب است که آنها حتی از مناسبات ابتدائی فرهنگی جامعه ما اگاهی ندارند ، و نمیتوانند مارا و فرهنگ مارا بشناسند . باصراحت و صداقت باید گفت که روح حماسی و جهادی ملت مؤمن افغانستان باهیچ نوعی از نظام ضد اسلامی سازگاری ندارد . از همین جهت است که حتی امروز بدترین دشمنان اسلام نیز فریاد اسلام خواهی را بلند ساخته و میسازند . واقعیت اینست که ملت مؤمن و مجاهد ما برای چهل سال تمام نظام فاسد ظاهر شاهی را بر گزدهٔ خویش تحمل کرد

افغانستان دفاع مینمایند بلکه حفظ ابروو حیثیت تمامی امت مسلمه وهمه ملل اسلامی را جز وظایف تاریخی وعقیدتی خویش حساب می کنند .

من گواه برمظلومیت کودکان دا غداری هستم که فریادشان دردلی ازتوطئه ها و نیرنگ های استعمار جهانی کوتاهی میکند واینك شما عزیزان رابرای شنیدن چنین فریاد رسا و مظلوم تاریخ فرامیخوانم .

من از سرزمین شهدا آمده ام ، از پروردگار بزرگ میخواهم هر سخنی را که میگوئیم و درباره هر حقیقتی که می اندیشیم سخنی از آرمان شهیدان وتفکری از مجاهدان را به زبان آرم و دردل و دماغ جای دهم .

برادران ، خواهران ودوستان گرامی !

قبل از هر مطلب دیگری باید به این حقیقت اشاره کنم که جهاد ملت مؤمن ما تداوم راستین خط انبیأ علیهم الصلوات والتسلیمات بوده تحقق حاکمیت الهی واحیای ارزشهای زرین جامعه صدر اسلام یگانه آرمان ملت شهید پرور مارا تشکیل میدهد .مردم ما میدانند که راه نجات بشریت ورهائی ازستم کفرو استکبار تنها با پیروزی از

اما باید بدانیم که دیگران کردهٔ قدیم عوض شده و این گرده نو جز حکومت واقعی اسلامی هیچنوع نظام دیگری را تحمل کرده نمیتواند و دیگران همه مناسبات قبیلوی و ملوک الطوائفی در زیر سیطره عدل اسلامی که خواسته خون شهداء است قرارگرفته . یکی از مهمترین مسائلی که بیان آنرا لازم می بینم چگونگی حکومت اسلامی و بوجود آمدن تشکیلات اسلامی میباشد . زیرا که حل حقیقی وقاطع مشکلات جامعه انسانی و پاسخگویی به نیاز بشر به برپائی قسط و عدالت بر زمین جز از طریق اسلام ممکن نیست . تنها راه این است که یك جامعه اسلامی برپا شود که معرف ارزشها و ویژگیهای اسلام باشد . اما تکوین و تشکل چنین جامعه ای جز از طریق ایجاد حکومت اسلامی میسرنخواهد بود حکومتی که بتواند جامعه را در تمامی ابعاد وزمینه ها از کفر و شرك رهائی بخشد و احکام الهی را جامهٔ عمل بپوشاند . کسانیکه گمان میکنند میتوان جامعه اسلامی را بدون حکومت اسلامی ایجاد نمود ، مرتکب دوخطای بزرگ شده اند اول اینکه در فهم اندیشه اسلامی به خطارفته اند چرا که اسلام تشکیل حکومت را به عنوان فریضه دینی بطور بداهة تلقی کرده میان دین و سیاست رابطه برقرار می نماید که به ده ها آیات کریمهٔ قاطع الدلالات و احادیث صحیحه شاهد این مدعا است . ثانیا ایشان تصور کرده اند که جامعه اسلامی تحت حاکمیت یك نظام غیر اسلامی ملی ، کمونستی یا لیبرالستی میتواند

وجود داشته و یا حیات خود را ادامه دهد ، در حالیکه چنین چیزی شرعا و عملا امکان ندارد و نیز آنچیزیکه مرکزی برای مراجعه انسانها دریك مجموعه انسانی است ، یعنی حکومت باچه معیار ها و ضوابطی تشکیل خواهد شد ، این یك سوال است حکومت یعنی آن مرکز و محوری که ستون فقرات زندگی یك جامعه است که اگر نباشد جامعه نظام و انتظامی ندارد . این محور و مرکز بوسیله چه کسی ، باچه ، روابطی ، باچه اصولی چه شکلی چند ارکاني ، و باالهام از کدام اصلی تشکیل خواهد شد . این سوآل است ، همه مکتبهای فکری به این سوال جواب میدهند . ایامی شود تصور کرد که پیغمبران خدا علیهم الصلوات به این سوال جواب نداده باشند خداوند میفرماید «وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع اهوائهم واحذرهم ان یفتنوك عن بعض ما انزل الله الیك»

جواب پیغمبران این است و این جواب مخصوص اسلام هم نیست تمام پیغمبران امدند تا بااین سوال همانند دیگر سوالها جواب دهند ، نظامی که براساس اعتقاد و اندیشه الهی بوجود بیاید یك ساخت سیاسی دارد و آن حکومت است و نیز یك ساخت اقتصادی دارد و آن عدالت برمبنای قسط است ، همانگونه که یك ساخت اخلاقی دارد ، یعنی ان جامعه ایکه بوجود می آید برمنبای تفکر الهی ، این جامعه نمیتواند از این ساختارهای چندگانه خالی باشد ، نظام سیاسی یعنی نظام حاکمیت ، نظام قانونگذاری ، اداره مملکت قبض

و بسط ، حل و عقد ، این همان حکومت اسلامی است ، هرجائی ، هر ملتی ، و هر گونه مردمی که معتقد باسلام هستند و زندگی میکنند ناگزیر ادعای حکومت اسلامی را داشته باشند یعنی اگر نداشته باشند اعتقاد به توحید ندارند ، یا اعتقاد به توحید را بدفهمیده اند ، معنی ندارد ما یك عده مردمی را فرض کنیم که اینها معتقد به خدا و توحید و قیامت و معتقد به قرآن هستند اما معتقد به حکومت اسلامی نیستند . این یك مغالطه است که استعمار در جوامع اسلامی را بوجود آورده که مسلمین را از این ملازمه غافل گردانیده اند ، و نیز دربارهٔ حاکم این طورنیست که هر فاسق و فاجر هواپرست بااتکا به تزویرهای ابرقدرتهاو مصرف کردن پول آنها باهمراه کردن آراء مردم جاهل ، فاسق در رأس حکومت قرار بگیرد . این به هیچ صورت مشروعیت ندارد . نظر اهل حل وعقد تعیین کننده است امانسبت به آن انسانی که دارای معیار های لازم است اگر معیار های لازم در آن انسان نباشد انتخاب نمیتواند به او مشروعیت ببخشد . این معیار ها باید مشخص شود . معیار های لازم عبارت انداز اسلام ، رجولیت ، تقوی ، عدل ، اشنائی بااسلام واسلام شناسی . فردیکه میخواهد جامعه اسلامی را به اسلام رهنمائی کند باید خودش اسلام را بشناسد ، و حاکمی کی دارای صفات متذکره باشد ، احکام الهی را در دولت تنفیذ نماید و ضمانت تنفیذی داشته باشد و بیرق دعوت اسلامی در دنیا را بلند نگاه دارد ، اکنون باید دید که چه کسانی

صلاحیت تحقق عدل الهی در کشور و تنفیذ احکام الهی را دارا اند . ما برای به وجود آوردن چنین حکومتی مبارزه و جهاد میکنیم و خواست مردم ایثار گر مجاهد افغانستان نیز جز این چیزی دیگری نیست . اکنون که بانزدیك شدن به پیروزی انقلاب اسلامی باب تلخ ترویج اندیشه های مادی کمونستی از راه اشغال لشکر کشی ها و زور در افغانستان پایان می یابد ، اذعان باید کرد که هنوز هم راه طولانی و دشواری درپیش داریم زیرا اگریك بابی از اندیشه های مادی را با قربانی بیش ازیك میلیون شهید خود بسته ایم صدها منفذ دیگری هنوز بازمانده اند و ما باید تمامی این دریچه های مکر و فریب را به بندیم ، و به نصرت خداوند در این شرائط ، ملت شجاع و قهرمان افغانستان با صبر و استقامت خود تمامی این دسیسه های شوم را نقش برآب ساخته و برآن غالب خواهد شد «ولقد سبقت کلمتنا لعباد ناالمرسلین انهم لهم المنصورون وان جند نالهم الغالبون .»

اقای رئیس ! دشمنان انقلاب اسلامی ما برای رسیدن به اهداف پلید خود برنامه های متعددی از جمله محاصره تبلیغاتی وبرانگیختن عصبیت های قومی و نژادی ، تفرقه های گروهی را بکار گرفته و از راه مال ، توزیع ثروت اسلحه ، ارسال جواسیس از راه مؤسسات تنصیریه و صهیونستی و تمام امکانات خویش در این جهت استفاده مینمایند ، آری ما علی الرغم توطیه های بی شماری که علیه اسلام و مسلمانان صورت میگیرد ، به یاری خدا امید بسته ایم و از ارزشهای الهی چون جهاد ، ایثار ، شهادت تبعیت اکید مینمائیم

توزیع وتکثیر از کمیته سیاسی حرکت
انقلاب اسلامی افغانستان

چرا که خود میفرماید «ولینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» وکلمه خداوند برکلام دشمنان حق غالب است که انشاءالله خواب راحت را به ستمگران روی زمین حرام خواهد کرد. خداوند میفرماید «ولا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من الله مالا یرجون وکان الله علیما حکیما» باید اعلام بدارم که ما تا دفع هر نوع دسیسه های استعمار جهانی خواهیم جنگید مگر در عین بیان این اراده ما از تمام کشور های اسلامی بخصوص کشور برادر جمهوری اسلامی ایران و کشور برادر پاکستان تقاضا داریم تا ملت مجاهد ما را بدون در نظر داشت تقسیم بندی های ناقص و واقعیت های دردناك روئیده شده از ارادۀ دیگران همچون انصار مدینه منوره یاری رسانند ما که را هر و خط انبیا علیهم الصلات والتسلیمات هستیم و خواهان تاسیس حکومت اسلامی بر مبنای این خط بوده ایم و ما باید سرنوشت خویش را خود تعین کنیم، لهذا یقین کامل داریم که یاری پروردگارو تمامی رزمندگان راه خداوند (جل جلاله) با ما است و این چیزیست که ازعمق فطرت مردم مؤمن و باشهامت افغانستان عزیز برمی خیزد.

خداوند همۀ مارا در راه خدمت به اسلام و مسلمین توفیق عنایت فرماید و دین و دنیای همه مارا حفظ کند «آمین» و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وعلی اله واصحابه اجمعین

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

دساتیر جاویدان مکتب اسلام ممکن است و هیچ مکتب دیگری نمیتواند انسان را ازستم و ظلم مستکبران وجباران نجات دهدویاهم اقلاً نیازهای واقعی وی را مرفوع سازد با صراحت باید بگوئیم هر نیرو و محفلیکه هدفی جزاین را داشته اندویا هم عوامل تشکیل نطفه جهاد مارا در چیزهای دیگری جستجو مینمایند عوامل استعمار جهانی اندویاهم در سادهٔ اندیشی کامل بسر میبرند . مایه امیداست که علی الرغم سلطه مستکبرین ونفوذ فرهنگ های فاسدو استکباری موج اسلام خواهی ناب که نتیجه شناخت و آگاهی قشرهای از امت اسلامی ، پایان شب ظلمانی حاکمیت جباران وطلوع فجر حکومت اسلامی را نوید میدهد ، از انروکه فلسفه بعثت انبیا علیهم الصلوات والتسلیمات اقامهٔ قسط و عدل بمنظور تکامل انسان و سعادت ابدی اوست و این هدف بزرگ جزدر سایه قانون حق و حاکمیت خداوند (جل جلاله) که در حکومت انبیا علیهم الصلوات والصالحین تبلور می یابد تحقق پذیر نیست ، لذا هر مسلمان مکلف بجهاد و تلاش باید در جهت تحقق این حاکمیت ، نفی و طرد هر نوع حکومت استکباری

ضد بشری را یك فریضهٔ شرعی وتکلیف الهی تلقی نمایند .
بررسی واقعیت های موجود در افغانستان اسلامی نیاز به بررسی عینی و فراگیری دارد .

شاید هم در فرصت کوتاه با کوششهای محدود و امکانات ناچیزیکه ما در اختیار داریم نتوانیم این بررسی را به انجام برسانیم ازینرو ما تنها برخی از نمودهای عمومی را که در زمینه این واقعیت ها جریان دارد بر اساس نقطه نظرهای محوری این سیمینار زیر نظر میگیریم ، وقتی ما اوضاع کنونی جهان اسلام را بررسی میکنیم باوضعیت فرهنگی عقب افتاده در مقایسه بافرهنگ اصیل اسلامی مواجه میشویم ، تخلف از فرهنگ اصیل اسلام ، چه مربوط به تشریح عقاید اسلامی باشد وچه مربوط به خطوط عوامل ضد دین ، تا جائیکه یك فرد مسلمان نمیتواند آشکارا حقایق را بنگردو بطور واضح ممکن نیست واقعیت صحنه های زندگی اش را از واقعیت عقیده و اندیشه که بدان پیوند خورده است تمیز دهد ازینرو بمثابهٔ شکار خوبی برای دعوت های غیر اسلامی و منحرف و گمراه کننده که از این نادانی نسبت به اسلام

بهره کشی میکنند ، قرار میگیرد و همین دعوت ها او را گمراه میسازد ، و در ذهنش کفر را نزدیك به اسلام جلوه میدهد و او را باین فکر می اندازد و چنین القاء میکند که کفر از اسلام دور نیست و گمراهی میتواند نقش هدایت را بخود گیرد . این جهالت کار اصلاح را پیچیده تر کرده است زیرا تصویر مبهمی که مردم از اسلام و افکارو عقاید آن دارند از انجا که همراه بانوع قداست و احترام است در نتیجه همین خطامارنگ تقدس بخود میگیرد ، همین او هام ، مبنای عقیدتی میگردد و به دنبال نقد و ایراد برآن عنوان کفر و انحراف پیدا میکند تا چه رسد به طرد و رد آن . و بدینگونه است که اوهام و گمراهی های منتج از نادانی و عقب افتادگی مردم در حرکت فکری شان از چهره یك واقعیت فرهنگ اسلامی مقدس و مورد قبول سردر می آورد . وقتی ما به این واقعیت اجتماعی خود بازگردیم خواهیم دید چگونه عادات و تقالید جاهلیت و نارسائی هابر واقعیت زندگی اجتماعی مسلمانان حاکم شده است ، تا جائیکه رفتار آنها یك حرکت اسلامی تلقی میشود در اینجا تعصب های خانوادگی ، جغرافیایی ملی ،

و مذهبی و دیگر موانع را می بینیم که توانسته اندیك مسلمان را از برادرش و جامعه اش جد اسازند و به این ترتیب روابط گسترده اسلامی از میزان و سیعیکه مسلمانان از خلال ارزش های روحی و فکری وعملی خود بخواهند بدان دست یابند ، رخت برمیبندندو تنها زمینه های ناهنگامی که تهی ازژرف وگستردگی است در صحنه برخورد ظاهر میگردد . از میان انحراف فرهنگی و اجتماعی انحراف سیاسی پدیدار میگردد و این امر مسلمانان را به گونه متفرق ساخته که گویی هر شاخۀ مذهبی بصورت دینی مستقل در آمده است بطوریکه اسلام از دیدگاه این عده گروه گرایان همچون ادیان متعددی جلوه میکند که هیچ کدام اسلام دیگری را قبول ندارد ، و بدینگونه استعمار بازی عروسك شیطانی خود را از روزنۀ این ذهنیت پیچیده و درهم و واقعیت متزلزل و ضد و نقیض وارد کشور های اسلامی میشود و پایگاهش را در نظامهای حکومتی وقانونگذاری آنها و در فرهنگ سیاست و اقتصاد و در هر گونه حرکت حیاتی مستحکم میسازد تا شخصیت اسلامی آنان را به شخصیت پریشان و ناهنجار

بدل سازد تانتواند اصالت خود را در مواردیکه باید به اصالت خویش گرایند ، تحمل کنند و استعمار برای فریب دیگران به فکر اصلاح می افتد و نیز در کار استعمار انقلاب صورت میگیرد لاکن نه بخاطر اینکه مردم وارد عصر اسلامی واجد حکومت ناب اسلامی شوند بلکه برای اینکه محیط از موقعیت امپریالیستی به شکل و موقعیت دیگر امپریالیستی تحویل شود ، در همان قلب حکومت و نظام اروپایی دیگری وارد میشود ، زیرا نیروی استکبار جهانی اجازه نمی دهد حکومت سومی پابگیرد بلکه حکومت و نظام مطلوبهٔ خویش را میخواهد که از همه نیرو های اسلامی بهره کشی کند ؛ ثروتها اش را به غارت برد و همه ارزوهایش را تاراج بنماید . چون انقلاب اسلامی افغانستان وارد مرحلهٔ حساسی شده است پس نباید تعجب کرد که چرا ابر قدرتهای شرق و غرب با استفاده از حساسیت مرحلهٔ کنونی انقلاب اسلامی علیه ارزش های یازده ساله جهاد مادست به تبلیغات ناروائی زده اند ؟ و چرا رژیم منفور نجیب رایك واقعیت مسلم اجتماعی حساب میکنند ؟ این قدرتها باتحریف حقایق و

مطرح ساختن بدیل های بی مفهوم و فاقد اعتبار برای رژیم نجیب ، میخواهند در برابر امواج توفندهٔ اسلام گرایی و ارمان تاریخی ملت ماجداری ازتوطئه ها ، اوهام و دروغ پراگنی ها را بوجود آورند ، مگر چه شد است که هنوز هم توفیق کسب عبرت او ناکامی روسها در افغانستان را نیافته اندو هنوز هم نمی دانند که دیگر بجز اسلام راستین و تحقق داعیه شهداء و مجاهدین عزیز ماهیچ طرح و برنامه جای پایی را نخواهد داشت . راستی هم اگر رژیم نجیب را یك واقعیت طبیعی و مسلم میشمارندچرانمی گذارند تا مردم شهر کابل که یگانه پایگاه مزدوران روسی است تکلیف خود را تعیین کنند ؟ بوضاحت میتوان گفت که اگر حمایت های ظالمانهٔ روسها از رژیم نجیب نبودو تبلیغات بی بندوبارو خصمانهٔ غرب علیه اسلام و مجاهدین در راه اثبات وجودی رژیم کابل نباشد نجیب و رفقای حزبی وی مجال یك هفته جنگیدن را نیز دارا نبوده اند . چه کسی میتواند که جنگ در جلال آباد را علی الرغم ایجاد حماسه های دلیرانهٔ مجاهدین ننگرهار و تلفات بی شماری از دشمن به آن همه سازو

برگ تبلیغاتی ابر قدرتها توطئه قبلی استعمار حساب نکند ؟ آیا میتوان سیلی از همه این توطئه ها را که پس از هسته گذاری حکومت موقت مجاهدین به رهبری حضرت صبغت الله مجددی ملیه مجاهدین سر ازیر گردید بدون سنجش دقیق ابر قدرت ها تصور کرد ؟ این مسایل نشان میدهد که دنیای استکبار و سیاست های سلطه گر جهانی ازنام اسلام واقعی و ازان اسلامیکه مدعی حاکمیت است مدعی ادارۀ زندگی پیرو ان خودهست ، چقدروا همه دارند . من باصراحت میگویم همه مسلمانهای دلسوزو معتقدبه حکومت اسلامی موظف اندبا این توطئه هائیکه در سطح جهان اسلام گسترده است و بخصوصی در مملکت مومن و مجاهد افغانستان ریشه دوانیده اند ، بدانند که هیچ راهی جز راه اسلام و هیچ نظامی جز نظام حکومتی اسلام نمی تواندناجی بشریت باشد و نمی تواند سعادت انسانها را تاءمین نماید .

برادران و خواهران گرامی !

ملت مسلمان افغانستان دارای فطرت عمیقا دینی و عقیدتی میباشد . این فطرت سالم و روحیۀ سرشار از

متن کامل سخنان مولوی نصرالله منصو ر
امیر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان
درمراسم اولین ودومین سیمینار بین
المللی افغانستان درتهران

تاریخی ۸ جدی سال ۱۳۶۷ هـ.ش و

۱۰ میزان سال ۱۳۶۸ هـ.ش



مولوی نصرالله منصور امیر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان